

بسیخبریا بدخواه؟

وجود گروه‌ها و عناصر انقلابی که در ریزش مارتیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون به سیاه کردن جنبش کمونیستی و احزاب کمونیستی می‌پردازند و فعالیت‌های تئوریک سیاسی و تشکیلاتی خود گرفتار انواع اقدامات انحرافاتند اختصاصاً به جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران ندارد، چنین گروه‌هایی در کشورهای دیگر نیز به فعالیت زبان بخش‌شوندند. در میان افراد این گروه هایدون شیک عناصر با حسن نیت و صدیقی رامینا یافت که در پیرایه احزاب کمونیستی انقلابی خواهند پیوسته و ولی این فرجام هنوز وابسته به رشد و تکامل این احزاب و تکرش آنها در جلب این عناصر است.

آشننگی‌های فکری این گروه‌ها بویژه در ارزیابی گذشته احزاب کمونیستی، شیوه احیا حزب طبقه کارگر، پیوند با توده‌ها، الگوسازی "کلرته" ارکان مرکزی حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) بلژیک و هفته نامه "هومانیتیه سرخ" که بهت مارکسیست - لنینیستی‌های فرانسه (در این کشور حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست غیرقانونی اعلام شده است) منتشر می‌شود برای اطلاع خوانندگان خود اقبال کرده ایم.

از هفته نامه "کلرته" هم اکنون سند جالبی تحت عنوان "کوشش با خطر دین و تئو کتونی کمونیست‌ها در بلژیک" در برابر دیدگان ما است که از طرف گروهی که خود را پیرو مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون می‌شمارد انتشار یافته است. این گروه دانسته و فحشیده از حزب برکاراست و صاف و ساده وجود حزب را نفی میکند...

مازاده این رفتار دانه اش از خود برادارانه ستائیم آنها باید تهور سیاسی مسلطی داشته باشند برای آنکه در بار وجود اینطور بنویسند:

"رفقا بد روشنی بینی سیاسی داشته‌اند و اعتراف کنند که "گرومی" که مانع شکل داده بودیم با شکست سیاسی مواجه شده است... باید بی سعی بودن نامی را که گروه بروری خود گذاشته است فاش گفت یعنی نشان داد که فقدان هرگونه شکل سازمان کمونیستی و خط مشی سیاسی و فقدان حداقل توافق بروری اصول و هرگونه سبک کار صحیح با محتوی گروه که واقفاً باید کمونیست (مارکسیست - لنینیست) باشد در تضاد کامل است."

شکست سیاسی این گروه ما را به تعجب نینداخت. مسأله متکرر آن و اشتغال آنها را از قبول انطباق و تشکیلات مقابلیه آنها را با هرگونه عمل حده از پیش می‌شناختیم... درک آنها از حزب ایدئوئیستی بود، آنها از دیدن واقعیت باز دیدن ممکن و غیر ممکن دوری می‌جستند و آنها به برتری ایدئولوژیک خود به سه معلومات کتابی خود مطمئن بودند و آنها گویا مارکسیست - لنینیست‌های واقعی بودند و رفتاری با انضباط را ریزش کمونیست‌های هوادار نیستی کورکورانه می‌شردند. تجربه نشان داد که این رفتار اشتباه بودند...

ما در برابر رفتاری جوانی قرار گرفته ایم که هرگز حزب را ندیده‌اند، آنها از مبارزاتی که از زمان تأسیس گروه‌های کمونیستی و سپس حزب کمونیست (در ۱۹۲۲) جریان یافته هیچ چیز و بی تقریباً هیچ چیز نمیدانند. چیزی که ما به تأسف است. نادانی آنها چندان غیر ارادی نیست زیرا ما با جوانانی سروکار داریم که اغلب دانشجویند، پاره‌ای از آنها هم اکنون روشنفکران ناچ نامی هستند (آنها در کتابخانه‌ها می‌توانند مطالعه تاریخ حزب بپردازند)، معرفت به تاریخ امری اهمیتی نیست و انسان را از بهم یافتن ثمرات برحد میدارد. کمونیسم از امروز آغاز می‌گردد، فعالیت آن در کشورهای جوانانی که این سندر انکشاف یافته اند پدید نیامده است... گفتن اینکه حزب هیچ کوششی برای پرورش تئوری اعضای خود نکرد از عدم شناخت سرچشمه میگرد... ما گفتیم که این رفتاری جوان موجودیت حزب را برسمیت نمی‌شناسند و درصدد آنند که خود حزبی ایجاد کنند. شیوه‌های که آنها میخواهند برای ایجاد حزب بکار برند بیشتر به رویانهاست

درباره شوروی و هند

روزبویست‌های ایرانی مدعی اند که بهبود مناسبات سیاسی، کمک‌های اقتصادی و نظامی و مالی اتحاد شوروی به رژیم مستعاند و رسون آشپناه توسعه این "کک" هاگام مهمی در راه استخلال و آزادی ایران از بیوغ امریالیسم است. آنها این اقدام شاه را که منتهی به ایجاد کارخانه نوب آهن گردیده تحقیقی از منتهی مواد برنامه حزب بود ما ایران می‌شمارند.

دولت هند سالهاست با اتحاد شوروی مناسبات حسنه از سالهاست دولت شوروی سیل "کک" های اقتصادی و نظامی خود را بسوی هند روان کرده است. نعتنهاد این کشور به ساختمان کارخانه نوب آهن دستوره بلکه کارخانه‌های دیگری نیز نیسا نهاده است. نتیجه این "کک" ها چیست؟ کسانی که کم و بیش از وضع هند آگاهی دارند بر این امر واقف اند که این "کک" های اقتصادی و نظامی و مالی نه تنها حلقه‌های هم از زنجیر سارت خلق هند نگردد ماسئله حلقه‌ها را نتنگتر کرد و حلقه‌های تازه ای هم بدان افزوده است.

ماهنامه هندی "آزادی" (لیبریشن) در شماره فوریه سال جاری مقاله‌ای در زمینه مناسبات هند و شوروی درج کرده است. مابوی اطال خوانندگان بعاهیت "کک" های شوروی قسمت‌هاک زیر را از آن اجناس میگیریم.

آنچه که در زیر نقاب روابط تجاری شوروی و هند صورت میگیرد طوری است که هند را از مواد اولیه اش محروم میسارد و استعداد صنعتی شدن آنرا بعد از تخفیف میدهد. ماهنامه چنین می‌نویسد: "همیران شوروی که جلب صنعت چشم آنها را خیره کرده است میگزیند از طریق توافق‌های یولی منافع فراوانی بدست آورده تجارت هند بار وسیع به رویه تنظیم میشود و در نتیجه تمام اشغ صادرات هند به شوروی نسبت به واردات از شوروی، عملاً مغلز رویه در اختیار رهند میگذارد که فخر برای خرید از شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی میتواند مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب یک خریدار اجباری تبدیل میگردد. هر قدر این اضافه بینت باشد هند باید از شوروی و اروپای شرقی بیشتر جنس خریداری کند."

بعلاوه شوروی از فروتنی اغلب محصولات که از هند وارد میکند منافع سرشاری برد. شوروی این اجناس را به قیمت کمبخرن بخریب آنها را عوض میکند و سپس در بازار اروپا به دلار تبدیل می‌نماید.

تمام عطیات و اقدامات بزرگی که بکلیک مبالجگنی رویل انجام میشود زیر کنترل مخصوص فرزند ریزش نیست‌های شوروی است و بکلیک ماهیچ کنترلی بروری نقشه ها و طرح ها ندارند. در نتیجه از یک طرف عده‌ای از کارخانه‌ها و موسسات با احتیاجات واقعی هند کم مطابقت دارند باطللاً مطابقت ندارند. مثلاً در ۱۹۶۸ کارخانه‌های جراحی مدرن ۲۴ هزار آلت جراحی ساخته است که از آنها فقط ده هزار مورد استفاده

در روز حزب کمونیست فرانسه تظاهر کرده و در دوران‌های بسیار حطشی پرولتری برخطشی اپورتونیستی راست پیروز گردیده است پس از ۱۹۴۹ تحت رهبری دفتر اطلاعات احزاب کمونیستی و کارگری (انفورم بورو) حزب کمونیست فرانسه خط مشی شدیدی اشتباه آمیز خود را که در ۱۹۴۵ در موع بازگشت تورز، جانشین حطشی دوران ۱۹۴۴ - ۱۹۳۹ شده بود اصلاح کرد... درست باین علت که ما ادامه دهنده مشی پرولتری صحیح حزب کمونیست فرانسه هستیم و رسته‌ها ما رسته‌ها و سرسرتی‌ها نمانده حطشی حرد بورژوازی اند، ما وظیفه داریم و باید مظاهر تاریخی این خط مشی اسلایی را باد آوریم.

اگر آراش حزب "کمونیست" فرانسه نیست، اینست آنکار کویانی که محرمانه در سانسور کنند "نادان‌هایی" بجنسند از این هم با لبرید خواهان لمدجی هستند که خود کمونیسم خود را در نطاب دود ریزشیم اعتراف حوسرمی‌باشند در اینصورت ما با آنها بود، مشترک نداریم و آنها را بکارعت حوسرمی‌باشیم. مشی پرولتری مارکسیستی - لنینیستی علی رغم اشتدادکمسم حرد بورژوازی و علی رغم ریزشیم پیروز خواهد شد.

آنها میخواهند گروه خود را که عملاً منحل شده احیا کنند. سازمان دهند و برای آن رهبری بوجود آورند ولی آنها معتقدند که این فقط یک گروه خرد بورژوازی خواهد بود که مطلقاً هیچ وجه مشترکی با رهبری طبقه کارگر ندارد. معذرت این گروه به کارخانه‌های هاری خواهد آورد و تراکت پرورش در حش خواهد کرد. کارگرانی بعنوان عضو گروه آنها خواهند پیوست و آنها به ترتیب این کارگران همت خواهند گماشت. به تدریج که این کارگران واقفاً مارکسیست - لنینیست شدند آنها خود را از رهبری کار خواهند کشید و آنها را کارگران واکار خواهند کرد. بدین ترتیب است که رهبری پرولتریایی بوجود خواهد آمد!

انسان در برابر چنین طرح‌هایی که کارگر را در عمل مارکسیستی - لنینیستی و کارگر را در رهبری کارگری است واقف‌ترین میباند زیرا در اینجاسخن بر سر پرورش زیرینکاد رهای کارگری پرولتری است توسط روشنفکران خرد بورژوا! و این دستخط معقبات آچیستی است که حزب کارگری انقلابی باید با دیدگاه اری کند.

این رفتاری جوان که از خرد بورژوازی منشا میگیرند مدعی اند که حزب وجود ندارد. این ارعان در ستاست خودشان هم میدانند. حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) بلژیک وجود دارد. هراندازه خلاف آنرا بگنیم و آرزو کنیم روابط با تنغی بروری نیستد حزب با پیشین حزب کوچک است ولی این امر کارگری آورتیست و رفیق این بلاتو در کار خود به نهمین کک حزب کمونیست چین یاد آور میشود که این حزب را بنام "در آغاز فقط از گروه‌های کمونیستی تشکیل میشد گفتند اما اعضا آنها با شرا چند دمنفر نبود". رفتاری چینی در انتظار درجه‌کمال وضع عانی باقی نماندند و جز برات اسپر کردند. از آغاز هم همچیز در حد کمال مظلوم نبود، مبارز شدیدی در گرفت و سالها طول کشید تا خط مشی صحیح پیروز گردید. لا زود با یاور - تونیست‌ها، سکاربست‌ها و عمال‌زین و آنهاش که گرفتار انحطاط می‌شدند مبارز شدند. حزب هنوز هم ساخته میشود، بلا انتظار ساخته میشود.

حزب ما مشکل است... کمیته مرکزی ارکانهای تقشیش ما در اکثریت وسیع خود از کارگران تشکیل میشوند ولی حزب ما از جوهری کارگر ما می‌تواند نبرد. ما روشنفکران خرد بورژوازی را چنانچه به خلق پیوندند و مانند فعالینی فریب و با انضباط در حزب زندگی کنند نمیرانیم. حزب کمونیست بلژیک در صفوف خود روشنفکرانی را پروراند هاست... که قهرمانان جان سپردند و ما باید با اقتضای حزب پرولتری اند.

ما در حال حاضر کنگره خود را در کمیته بینم و بدین منظور در زمینه ایدئولوژی و فضا کوشش می‌کنیم... ما در تدارک طرحی از تحلیل طبقه بلژیک و ماطلمد رسنطلمی می‌باشیم. ما برنامه سیاسی، برنامه مطالباتی و اساسنامه خود را تدوین خواهد نمود، اسنادی نیز در زمینه کار در میان جوانان تنظیم خواهد شد.

مانع می‌گردد که این اسناد کامل خواهد بود. هرگز احتمالاً به آنها انتقادات بسیاری میتواند وارد باشد. اما این اسناد بهیشتن اگر کمبکنند و نشانه این تمایل اند که ما این "ایدئولوژیک" پایان داده، خلائی که از ۱۹۴۵ کویانک حزب کمونیست بلژیک است و همان است که حزب را به انحطاط کشانید است.

رفتاری جوان بویژه بداند که مادمی آن نیست که حقیقت انقلابی و موضع صحیح در انحصار است. آنها نیز میتوانند کمک بسیاری بیاورند. آنها از هم اکنون و هر روز باید از خود بپرسند آنها را بکدر انتظار ایجاد یک حزب کمال مطلوب توسط گروه‌های میرا از هرگونه عیب و نقص میباید براه غلطی نمیرانند آنها باید بداند که از هم اکنون حزب در حال ساختمان است چه بهتر که این ساختمان با شرکت آنها صورت گیرد.

از هفته نامه "هومانیتیه سرخ" این هفته نامه تحت عنوان "نادان باید خواه" چنین می‌نویسد: جندن برچانه که بدون شک از موقعیت مجلس یاد بود ما بخاطر رفیق هوشی مین دچار اراحتی شده اند اکنون می‌گویند این فکر را بلی‌کنند که سخنرانی ما "ریزش نیستی نو" است و فقر حزب کمونیست فرانسه را در دوران "جنگ یلید" اسنما فرانسه آرایش دید همد. این مارکسیست - لنینیست‌های عجیب از تاریخ بیدریند و فکر میکنند که میتوانند تاریخ را به شیوه خود - شیوه‌ای که بیشتر همد کمونیستی است تا قدر ریزش نیستی - فسق کنند. مثلاً آنها نمیدانند که مبارزه طبقاتی پیوسته بطور مشخص در

گسستش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

در دفاع از زندانیان سیاسی متحداً عمل کنیم

آهنگی کلیه سازمان های ملی و دموکراتیک عمل کنند. شست سنگینی بر رژیم کورنا خواهند نواخت.

هنوز دانشجویان دلیرد اشتکامشیراز زندان نشسته اند. هنوز سرپرست دانشجویانی که برای دیدار وزیران خویندر تابستان با ایران بازگشتند و مخفیانه دستگیر شدند نامعلوم است.

هنوز صدویست تن از مبارزان خلق کرد در معسر ض شکنجه و اعدام قرار دارند.

صدای خود را برای آزادی همه آنها برای آزادی همه زندانیان سیاسی بلند کنیم.

افتخار بگیریم زندانیان سیاسی از هر مسلک، از هر حزب و از هر طبقه.

برقرار باد اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک در دفاع از زندانیان سیاسی.

مبارزه در افغانستان

انتخابات مجلس افغانستان که هم سنگ مجلس محمد رضا شاهی است - چندی پیش پایان یافت و بعد از آن از جانب دولت پاکستان و سران بزرگ افغانستان به امپریالیست ها و ریزو- نیست ها برکسی تریب دریا نداشتند. خلق اسیر افغانستان بسا نعت و بجزایر باین صحنه سازی شوم منکرست. مارکسیست - نئینست ها که پیوسته مورد حمله و هجوم رژیم محمد ظاهرشاهی اند و عدای آن از آن در زنجیر می گرفتاراند از فرصت "انتخابات" برای افسانه ماهیت حکومت و تظاهرات دروغین دموکراتیک آن استفاده کردند و چون از داشتن هرگز نه طبعه علی سرورند به پخش اعلامیه ها و بیانیه های مخفی همت گماشتند. آنها در اعلامیه ای تحت عنوان "مسره بر انتخابات سرکاری" و "زند" با پیروزی جنگ نوده ای پس از تحلیل مصل پدید پارلماناژ چنین نوشته اند:

"قانون اساسی و دموکراسی کنونی که طبقه حاکمان پهنه جوار و جنرال پیروان آن براه انداخته - درست ایجاد اساسات سیاسی استقرار سیادت بورژوازی بورکرات کپران یعنی قانونی ساختن استثمار امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها در کشور ما بشمار میروند. بهمین علت این دموکراسی نمیتواند چیز دیگری جز دموکراسی کاذب و دموکراسی بوروکراتیک و دموکراسی فاشیستی باشد. بهیچت نیست که خلق ما در همان نخستین مرحله های بعین آمدن این باصطلاح دموکراسی و آن را بیگانه، مخفی و کاذب یافتند. . . . این پارلمان مجرائی است که بورژوازی کپران از راه آن در ترکیب دولت مطلقه قنود الهی نفوذ نموده و باری در حاکمیت سیاسی ارتجائی شریک میشود".

اعلامیه با این نتیجه گیری پایان می یابد: "منافع خلق ما از تمام انقلابیون حقیقی و دموکرات های انقلاب و وطن پرستان واقعی میجوهد تا تصورات واهی را بدور افکند و با تشریح ماهیت حقیقی شمیعه بازی انتخابات "در راه آگاه ساختن و بسیج کردن و سازمان دادن بقیه رصفه ۳

شکنجه گران شاه به "تصفیه حساب" با آخرین گروه های دستگیر شدگان (گروهی نفی دانشجویان دانشکامشیراز، گروهیست و پلنفر، گروهی صدویست و یک تن از جوانان کرد) مشغول اند و از سیاهچال های سازمان امنیت صدها بجاخ منجر شد. اینک میگوئیم "آخرین گروه های دستگیر شدگان" قطعی میروی از آخرین خبرهاست و مرکز رژیم محمد رضاشاه می از حبس و زجر و اعدام آزادگان نمی آساید و سلسله جنایاتی را آخری نیست. هرکوهی که دستگیر میشود گروه های دیگری در راه. امروزه کشتن نظامی از جهان میتوان یافت که در آنجا اینهمه نیبکاری در برده. خلاصه رت پذیرد و سلسله ای از نشتاریست که همه امپریالیست های جهان دست در دست روی رویست های شوروی در بنا رژیم کورنا بفشارت ایران مشغول اند و بیغش و بیخشمه آنها در روشن شدن صدای خلق ایران و چهره کریم محمد رضاشاه است. هفتاد ستگاه های تبلیغاتی محمد رضاشاهی توانسته اند نقش وسیعی برای دست آموز ساختن جرائد اروپائی طرح کنند و رزهای لبرالیسم پوزیوانی را در مورد اخبار ایران با اوراق طلائی صدود سازند. از جانب جرائد غربی روی رویستی نیز حاضران آمده است و میدانند که جزا را در تزارها جدید گولن - که آن هم شهرت بیستمانی از رژیم کورنا است - چیز دیگری در آنجا منتشر خواهند شد.

آن نیروی اصلی گداین سکوت توپنه آمیز را در هم خواهد شکست نیروی خلق ماست. حتی که هرگز از مبارزه با استبداد و استعمار باز نایستاد است. خلق که سیمیت رژیم کورنا گداوه دیگری بر سرستی و انقیاد ناید بری است. بدون تردید خلق ما در روی رویزات و تجار جود سلاح پیروز گردد یعنی حزب مارکسیستی - لنینیستی را خواهد ساخت. راجیک انقلابی را خواهد بود و آنگاه هیچ توپنه ای نخواهد توانست در برابر گولهای او را در فضای کیش خاموش کند. فقط آن روز است که ما به "آخر" دستگیر شدگان و "آخرین" شکنجه دیدگان و "آخرین" اعدام شدگان محمد رضاشاهی خواهیم رسید و نقطه حتمی به کتاب قطور جنایات او در خواهیم کشید. ولی این با آن معنی نیست که در شرایط کنونی لخته های از باره در راه افشا رژیم کورنا و از نبرد برای در هم شکستن توپنه سکوت امپریالیست ها و روی رویست ها و اوریگاری برای رهائی گرفتاران محمد رضا شاه بازایستیم. سودمندی این اقدامات را نتجاریت مشخص کرده است. جوانان مبارز ایرانی و علی عهدی که گسترده سازند امنیت پیوسته بشیوه های مختلف سبوق میشوند که آدم زدی ها، این سازمان سیاهکار را با طلاع عموم هم میبمان برسانند و اخیسار را بخارج از ایران منتقل کنند تا در عرصه بین المللی مورد استفاد قرار گیرد. برای نمونه میتوان اعلامیه دانشجویان دانشگاه تهران را مثال آورد. در چنین شرایطی مسئولیت خطیری بر عهده ایرانیان مغیم خارج است که از امکانات بیست بر خورد برند. اگر متحداً و با هم

راد یو بیک ایران میگوید: موافقت نامه های اقتصادی شوروی و ایران "برای رشد اقتصاد ایران" برای تنگ کردن عرصه بسر امپریالیسم "است" "سود حال و آینده کشور است". ولی ارطام نشان میدهد که این موافقت نامه ها نظیر موافقت نامه های امپریالیستی است و بقصد چپاول ایران است و فلج کننده رشد اقتصاد کشور ماست. نقطه راه را بر امپریالیست ها نمی بندد بلکه راه همکاری را هزنانه سوسیال امپریالیست های شوروی را با امپریالیست های امریکائی هموار میکند. موافقت نامه گاز ایران به شوروی نمونه ای است از عارتگری و دیکتاتور روی رویستی های شوروی از صلح خریدر گاز سود حد اکثر بر میدارند و امپریالیست های غربی از محل فروش بولگ خلق گاز. بخوبی دیده میشود که مبارزه با امپریالیسم از مبارزه بسا روی رویسیسم جدا نیست. روی رویستیها و امپریالیستها و جوسکوت محمد رضاشاهی در یک طرفند و خلق ایران در طرف دیگر. فقط مبارزه قهر آمیز و فقط جنگ انقلابی توده های میتواند خلق ما را بر این دشمنان متحد پیروز گرداند.

"آب شور" و "گاز عفن"

وطن فروشان عهد قاجاریه هر وقت قطعه ای از خاک ایران را بفشارتگران بیگانه تسلیم میکردند آن قطعه را "زمین با بیروم بزرع" و "بوالر کردن دولت بیاید مدت" مینامیدند. حاجی میرزا آقا ساسی معروف موقعی که آبهای جنوب دریای مازندران را به تزارهای مهاجم روسیه تقدیم میداشت آن را "آب شور" و "مایه شسرت" خواند.

اینک روی رویست های حزب توده ایران که در واگذاری گاز ایران به تزارهای جدید کورسلن با محمد رضاشاه عهد استان شده اند بمطقی حاجی میرزا آقا ساسی توسل میجویند. خلاصه حرف آنها چنین است: بگذار روی رویست های شوروی این گاز عفن را از فضای صاف و دلکش ایران دور کنند!

راد یو بیک ایران در جواب شنونده های که بر کله های روی رویست های شوروی بزریم محمد رضاشاه و بر غارت گاز ایران اعتراض کرده بود چنین پاسخ آورد (در سه شنبه ۲۱ آگست) که شوروی "گازی را که سالیان دراز در دست بوده و بهیوا صرفت میکرد و بجای آن صنایع مادر ایجاد میکند".

این همان توجیه هستیکی امپریالیستها است. آنها هم گفته و میگویند که ما نفتی را که قرن ها بجماصل اقتصاد و شماز وجودش نیز خبر نداشتیم با هزار ریخت برون میکنیم و در عوض بشما لیسره و دلار میدهم. برایتان کارخانه هایی نصیر کارخانه پتروشیمی میسازیم.

امروز همه بر اهمیت گاز در صنایع واقفند. گاز یکی از مهمتر مواد صادراتی کشوری نظیر الجزیره است. خود اتحاد شوروی با آنگاه بر منابع ارضی خویش و برکت قراردادی که با ایران منعقد ساخته یکی از بزرگترین فروشندگان بین المللی گاز است و روی رویز بیشتر بازارهای اروپا را تسخیر میکند و بر اقتصاد نو خاسته الجزیره که احتیاج حیاتی به فروش گاز دارد از این حیث بیخاسته ضربه میزند. یکی از آخرین سوداگری های شوروی در این زمینه با آلمان غربی است. همان امپریالیستی که روی رویست ها با اوطاخر در کنیاکن و باطن در برنید بستند. روزنامه های آلمان غربی خبر دادند که کارشناسان گاز شوروی در ماه سپتامبر برای تسسد اربک مذاکرات لازم با این کشور رفتند و قرار است در ماههای آیند میلنگ با حضور نمایندگان انحصار داران آلمان غربی در مسکو برای معاطه گاز منعقد شود.

برای نشان دادن درجه غارت روی رویست ها کافی است فقط باین نکته توجه کنیم که دولت شوروی گاز ایران را در مرز خود از قرار هر هزار متر مکعب ۶/۶ دلار میخرد ولی گاز را به کشور اکتفا از قرار هر هزار متر مکعب ۱۵ دلار در مرز آن کشور میفروشد و شست اینک اگر سودخالص او را از قرار هر هزار متر مکعب ۸ دلار حساب کنیم و چون قرار است که ایران سالیانه بطور متوسط ۸ میلیارد متر مکعب گاز به شوروی تحویل دهد غارتگری سالیانه روی رویست های شوروی از این بابت قریب ۶۴ میلیون دلار خواهد بود.

از طرف دیگر طبق موافقت نامه ایران و شوروی (بمهر ۱۳۴۴) لوله کشی گاز از منابع جنوب تا آستارا بر عهده دولت ایران است و مخارج آن را کلاً دولت ایران باید بپردازد. اما مخارج مذکور طبق آخرین برآورد بر ۶۰۰ میلیون دلار بالغ میشود که دولت ایران باید آنرا از محل وامهای خارجی بسود ۸ درصد (بحدت بیستسال) تأمین کند. باین طریق آنگاه که لوله کشی بپایان رسد دولت ایران باید سالیانه ۳۰ میلیون دلار بابت استهلاک وام ۸۰ میلیون بدهد و بابت بهره آن یعنی مجموعاً ۷۸ میلیون دلار بپردازد (تهران اکونومیستی ۲۶ مهر ۱۳۴۸) و حال آنکه اگر سالیانه بطور متوسط سالی ۸ میلیارد متر مکعب گاز هم بدولت شوروی بفروشد بیش از ۶۴ میلیون دلار درآمد نخواهد داشت. چنین است منظره کلی معاطله ای که روی رویست های شوروی از دولت محمد رضا شاه تحصیل کرده اند.

پیروز بساد مبارزه و صلح خانه خلق